واتبع ملة ابراهيم حنيفا
بيروي كنيد كيش ابراهيم پاك را

ديو حنيف يا رساله منيفه
حرمة ريش تراشي

(بقلم)

دانشجوي محترم
آقاي علي اكبر صبوري قمي

ـ نزيل ـ

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم
حلق اللحية من المثلة ومن مثل
فعليه لعنة الله

فرمود پيغمبر اكرم (ص) تراشيدن
ريش نوعي از مثله كردن است
هر كس مثله كند لعنت خدا براوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

واتبع ملة ابراهيم حنيفا

بپیروی کنید کیش ابراهیم پاک را

دین حنیف یا رساله حنیفیه

حرمة ریش تراشی

(بقلم)

دانشجوی محترم

آقای علی اکبر صبوری قمی

ــ نزیل ــ

(نجف اشرف)

قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم

حلق اللحیة من المثلة ومن مثل

فعلیه لعنة الله

فرمود پیغمبر اکرم (ص) تراشیدن

ریش نوعي از مثله کردن است

هر کس مثله کند لعنت خدا براوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

« تقریظ بقلم الحجة آیة الله السید میرزا عبد الهادی الشیرازی »

« ادام الله بقاءه »

بسم الله ولله الحمد وافضل صلواته على افضل بريته محمد وآله صلى الله عليهم اجمعين . احقر این رساله شریفه را که از تألیفات جناب مستطاب ثقة الاسلام مروج الأحكام العالم العامل والبارع الزكي الكامل آقاي آقا شيخ على اكبر الصبوری القمی دامت توفيقاته وتأييداته است مطالعه نمودم الحق والانصاف کوتاهی ننموده وجهات مسئله را بنحو اوفى با استدلال بیان فرموده شایسته هر نوع شکر وتقدیر است جزاه الله عن الاسلام خير الجزاء ويحشره الله مع المجاهدين في سبيله والحامين عن دينه

الأذل عبد الهادي الحسيني الشيرازي

في ١٤ جمادي الثانية سنة ١٣٦٨

« تقریظ بقلم العلامه حجة الاسلام الشیخ محمد محسن (المدعو) »
« بآقا بزرگ الطهرانی »

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس گذاری روا نیست مگر آن یگانه بی همتارا که در فطرت هر مخلوقی نمائی از خودرا یادگار گذارده « ومامن شیء الا یسبح بحمده ربه » و در طینت هر بشری قوه شناسائی خویش را مکنون داشته « ماخلقت الجن والانس الا لیعبدون » پس زهی سعادتمند خواهد بود کسیکه ما بالقوه او فعلی شود سعی کردن در رسانیدن خودرا بنتیجه زندگانی خود و صرف نمودن سرمایه عمر موهوبی را در پیدا کردن راه راست سعادتمندی را برای خود و نشان دادن آنرا بابناء جنس خود والحق والانصاف که گوی این سعادترا کما هو حقه ربوده است مؤلف این کتاب مستطاب که مطالعه مضامین آن مغنی از تعریف واطراء واطناب است وهو الفاضل البارع الکامل البالغ مراتب الشیوخ الکبار وهو فی ترعرع الشباب مولانا الشیخ علی اکبر الصبوری القمی اکثر الله فی حملة العلم امثاله و بلغه غایة آماله چه اینکه این وجود شریف از آنچه وظیفه دینداری و حق پرستی بود کوتاهی ننموده و بکمال اختصار مالی از کلام ومسائل این بزرگ قانون دین حنیف را که دست اراذل و اوباش ناس و سفله وجهال عوام آنرا کرجان کرده دشت نای نموده و این معصیت کبیره راکه آنان آنرا حقیر شمرده بلکه آنرا از مباحات اصلیه در انظار وانمود کرده اند بصدای بلند عظمت و بزرگی آنرا بگوش ابناء هوش رسانیده فجزاه الله عن حمایة دینه وقانونه خیر جزاء المحسنین وحشره مع العلماء العاملین فی اعلی علیین والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام

على رسوله محمد وآله الطاهرين

حرره اقل العباد عملا واكثرهم ذنبا وجرما المسيء المسمى بمحمد محسن والمدعو بآقابزرك الطهراني نزيل الغري السري والنجف الأشرف في « ١٢ / ج ٢ - ١٣٦٨ »

« تقريظ بقلم العلامه الحجة آقاميرزا محمد علي الغروي الاردوبادى »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

اين سفر شريف كه بنحو اوفى وارد مسئله وبطريقه شايان خارج وعهده دار جهات مطالب بصوره مرضيه است يكي از حسنات عصر حاضر ميباشد فحيا الله مؤلفه العالم البارع مـأثره الوف وغرة الزمن العلامه الاوحد الشيخ علي اكبر الصبورى القمى لازاله حامية الدين وداعيه الهدى

الأحقر محمد علي الغروي الاردوبادي

حرر في ١٤ ج ٢ / ١٣٦٨

سبب تألیف

چون حقیر سال گذشته از عتبات عالیات بقصد زیارت حضرت رضا علي بن موسی علیه آلاف التحیة والسلام رهسپار بایران شدم و خوب در وضع دیانت جامعه تکاوش و کنجکاوي نمودم دیدم واقعا بقدري قبح اعمال محرمه از نظر جامعه رفته بطوریکه اصلا بعضي از محرمات الهي را انکار و در مقام تحلیل آن محرم هستند یکي از محرماتي که غالبا مردم مخصوصا متجددین (عصراتم) مرتکبند همانا تراشیدن ریش است که اصلا قبحي پیش آنها ندارد بلکه گذاشتن ریش را قبیح میدانند و اگر آنها را هم نهي از این عمل شنیع نمائی در جواب میگویند در کدام از صفحات قرآن نهي از این عمل شده و ما در صفحه ۸ در خطای جاهلان در احکام شرعیه معین نمودیم که این حکم الهي « حرمة ریش تراشی » در کدام از صفحات درج شده و از چه شخصي باید احکام الهي را اخذ کرد ولذا بعد از مراجعت بنجف اشرف حاضر میشدم درس یکي از مدرسین طراز اول نجف اشرف وایشان خارج مکاسب محرمه تدریس مینمودند موقعی که مسئله حرمه لهو و لعب را بآخر رسانیدند بعضی از فضلای حوزه درس از ایشان خواهش نمودند که در اطراف حرمه ریش تراشی بحث نمایند وایشان هم کما هو حقه تمام ادله حرمة را از آیات و اخبار و عقل و سیره و اجماع بیان نمودند و حقیر مطالب را بااسلوب ساده نگاشتم بازیادتی اجماع مذاهب اربعه بر حرمه ریش تراشي و اقوال اطباء قدیم و جدید در مضرات ریش تراشی

اقل الطلبة خادمة العلم والدین
علي اکبر الصبوري القمي

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر

پس از ستایش وسپاس خداوند جهانیان وصلوات وسلام براشرف ممکنان وسید کاینات وخلاصه موجودات محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم وصلوات بیحد حصر بروح پاك جانشین بلا فصل وخلیفه برحق وی مولی الکونین علي بن ابیطالب «ع» وبر یازده فرزندان اوباد خدایا سپاس که درهاي دانش را بروی ما گشود تا علوم اسلامي را پایدار کنیم وکتمان حقایق او نشود

« مقدمه اول »

(مضرات کتمان احکام شرعیه)

« سوره بقره » { ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد مابیناه للناس في الکتاب اولئك یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون. الا الذین تابوا واصلحوا وبینوا فاولئك اتوب علیهم وانا التواب الرحیم. ان الذین یکتمون ما انزل الله من الکتاب ویشترون به ثمنا قلیلا اولئك ما یأکلون في بطونهم الا النار ولا یکلمهم الله یوم القیمة ولا یزکیهم ولهم عذاب أليم. اولئك الذین اشتروا الضلالة بالهدی والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم علی النار ذلك بأن الله نزل الکتاب بالحق وان الذین اختلفوا في الکتاب لفي شقاق بعید }

« ترجمه » بدرستیکه کساني که مخفي میدارند آنچه را که نازل کردیم از بیان آشکار وواضح وهدایت پس از اینکه اورا برای همه مردم آشکار نمودیم در کتاب آنهارا خدا ولعنت کنندگان (ملائکه وپیغمبران واولیاء) لعنت میکنند مگر کسانیکه توبه وخود را اصلاح بنمایند واحکام الهي را آشکار کنند از آنها میگذرم ومن

آمرزنده ام و مهربانم و میفرماید بدرستیکه کسانیکه مخفی میدارند
جیزي را که خدا در کتاب نازل کرده و اورا میفروشند بثمن قلیلي
آنها نمیخورند درشکمشان مکر آتش را و خدا با آنها سخن نمیکوید
و آنهارا پاکیزه نمیکنند وعذاب دردناك براي آنها است و آنها کساني
هستند که هدایت را فروختند وضلالت و کراهي را خریدند جقدر
در آتش جهنم صبر خواهند کرد براى اینکه خدا کتاب را بحق نازل
کرده و کسانیکه در کتاب اختلاف نمودند براي مخفي کردن احکام
الهي در سر پیجی و سر کرداني و دوري هستند . ای متظاهرین
بدیانت بدانید که احکام الهي تمامش ازعبادات ومعاملات وسیاسات
براي جلب مصالح ودفع مفاسد جعل شده اکر مخفي شود بشر از
مصالح آنها محروم و بمفاسدی دجار خواهد شد که باعث تسویش
واختلاف کلمه مابین افراد جامعة میشود وهر کس روی هوی وهوسی
که دارد حکمي ورأئی اتخاد میکنـد وعموم مردم دجار سر کرداني
و بلا تکلیفی میکردند

« مقدمه دوم »

(وظیفه جاهلان دراحکام شرعیه)

در شریعت اسلام تمـام تکالیف بشر از جزئی و کلي معین شده
بطوریکه هر کس بوظیفه مقرره خود عمل نماید هیچ نقص وخللي
در امور اووارد نخواهـد شد از جمله تکالیفی که براي جاهل مقرر
شده درشرع انور در ابتداء امر رجوع نمودن اوبعالم دراحکامی
که راجع بدین است وانسان اکر قوه استنباط ندارد باید در تمـــام
احکامش از جزئی و کلي رجوع بمفتي وعالم نماید وحق ندارد بدون
کسب از عالم جیزي بکوید وحکمي را بیـان نماید واین اصل موافق

عقلی وادلهٔ شرعیه میباشد ودر مذهب شیعه مقرر [illegible] ومسلم
است باینکه یکی از جبلیات نوع بشر است که باید در تمام علوم حتی
صنایعی را که نمی‌داند انسان اگر خواسته باشد اطلاع از او پیدا
نماید بدون رجوع بعالم آن فن وصنعت از برای او حاصل نمی شود
ولکن عملا می بینیم که این اصل مسلمی را که عقل هرذی‌شعوری
براو حاکم است تخطی شده حتی برسالهٔ مجتهدین هم وقعی گذارده
نشده برخلاف حکم آنها سخن رانده اگر جاهلان مدعیان دیانت باین
اصل معتقد میشدند وهرکس بمجتهدی که مرجع اوست رجوع می
نمود وبدون گفتن او سخنی نمی راند هرگز اختلاف کلمه وتشتت
آراء ومفاسد دیگر تولید نمی شد ودرحدیث وارد شده « لو سکت
الجاهل بما لا یعلم لم یختلف اثنان » یعنی اگر جاهل ساکت میشد از آنچه
را که نمی داند اختلاف مابین دو نفر پیدا نمی شد از این پس منشاء
اختلاف همیشه جهال هستند برای رفع این اختلافات چاره نیست
جز اینکه مجال داده نشود بجهال که در احکام شرعیه وتعیین تکالیف
نوعیه بدون رجوع مجتهد دخالت کنند

« مقدمه سوم »

(خطای جاهلان در احکام شرعیه)

اگر سؤال کرده شود از این اشخاصی که مقداری بمبدء ومعاد
قائلند چرا این عمل قبیح را مرتکب میشوید در جواب میگویند در
کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده اولا باین شخص
میگوئیم توخودت که قرآن فهم نیستی تا اینکه بفهمی نهی وارد
شده یانه و بمقتضی مقدمه دوم باید رجوع بعالم فن نمائی وثانیا این
کتاب آسمانی که نازل برپیغمبر اسلام شده وتمام کلیات احکام اسلام

از عبادت ومعاملات وسیاسات در این کتاب مجید بر عهده پیغمبر اسلام است که برای امت خود بیان نماید و بعد از خودش هم وصی قرار داده وفرمود این کتاب از عترة من جدا نمیشود تا اینکه روز قیامت وارد شوند برمن وسؤال مینمائیم از این اشخاص که در کدام از صفحات قرآن نوشته شده نماز صبح دو رکعت است وبچه نحو باید خوانده شود وبچه نحو باید حج نمود وغیر ذلك از احکام مادر جواب ازطرف این اشخاص میگوئیم که بیانات این احکام راجع به پیغمبر * ص * اسلام است و بعد از خودش هم محول فرمود بائمه معصومین علیهم السلام وفعلاهم که زمان غیبت است بیان این احکام راجع است بحامیان دین ومجتهدین اسلام که خود امام اینها راتعیین نموده است از برای بیان کردن احکام ورجوع کردن مردم بابنها پس بنابر این باید رجوع بمجتهدین نمود وبدون جهت دروغ بر خدا وپیغمبر نابندید که دروغ گفتن بخدا اکیداً درقرآن کریم واحادیث شریفه ممنوع شده « درسوره کهف » فرمود { ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون }

« ترجمه » مگوئید آنچه زبانتان وصف کرده که این حلال است واین حرام برای اینکه دروغ بخدا می بندید حتما کسانیکه بخدا دروغ می بندند رستکار نمیشوند ونیز دراحادیث شریفه وعیدعقاب شدید الهی بر گفتن برخدا بدون علم داده شده وحضرت امیر المؤمنین * ع * میفرماید اگر ازآسمان بیفتم وکرکس هاتن مرا بربایند وتکه تکه کنند دوست تر نزد من است از آنچه بر رسول خدا بگویم که از پیغمبر نشنیده باشم بااین آیات کریمه واحادیث شریفه بچه میزان

جاهلان منصدی مقام علمی می شوند و بدون اینکه رجوع باخبار واحادیث نمایند سخن میکویند تمام این احکام الهی از جزئیات وکلیات آن روی یك مصالح ومفاسدی جعل شده حضر نمی خواهم فلسفه احکام رابیان نمایم بلکه اقوال اطبائیکه مضراتی از برای ریش تراشیدن کفته اند نقل میکنیم

« اقوال اطباء »

(در مضرات ریش تراشی)

نظر باینکه فعلا متجددین عصر طلائی بیشتر آشنای با کلمات « موسیو فلان » هستند و با کلمات أئمه هدی سلام الله علیهم سرو کاری ندارند بلکه بسا میشود نعوذ بالله اطمینانشان بهجله که نقل شده « از دکتور فلان وایکتور فلان » بیشتر است از کلمات معصومین ولذا قبل از آیات واخباری که در این باب وارد شده مقداری از کلمات اطباء ممالك خارجه رانقل مینمائیم درتاریخ (امریکا در صفحه ۱۶۰) سجعان رومانی میکوید بعضی از این مردم امروز از ریش تراشیدن خوششان می آید وحال انکه کذاشتن ریش بهتر است از تراشیدن بجهت اینکه نطاسی شهیر « دکتور فینکور جرج » کفته است از برای ریش منافع زیادی است از جمله دهان را حفظ میکند ومانع ازرطوبات میشود ودندانها وغددلعابیه را باکیره نکاه میدارد درروزنامه « العدل که دراسلامبول » نشر میشود در شماره یکصد وسی ودوم بتاریخ ـ ۲۱ نوفمبر ۱۹۱۱ ـ درج شده باین عبارت «ضد حلق اللحیه » تألیف جمعیة فی انکلترا لمقاومة استعمال الموسی ومن مبادی هذه الجمعیة السعی فی حمل الناس علی ارسال لحاهم بحجة ان الموسی تکون سببا من اسباب نقل العدوی والأمراض المعدیة وقد

طبعت هذه الجمعية منشوراً وزعته على كبار الانكليز واعيانهم ودعتهم فيه لتائيدها بارسال لحاهم حتى يتشبه بهم الشعب وقد وضعت في المنشور صورتين واحدة تمثل رجل حليق الذقن والاخرى تمثل رجل ذا لحية وجمعت كل المحاسن في الوجه الثاني كما ملئت لوجه الأول بالقبائح الخ

« ترجمه » در این روزنامهٔ که در اسلامبول منتشر میشود برعلیه وضد عادت ریش تراشي جماعتي درانكلستان انجمن نموده‌اند سخت جلو گیری مینمایند از کار کردن تیغي بر رخسار ریش تراشیان واز جمله تعلیمهای اسامي این جماعت سعي وتلاش در اینکه مردمانرا وادار کنند برها ساختن ریش وترك تراشیدن آن بجهت اینستکه تیغهای دلاکان مایه سرایه وتعدی امراض مسریه است بلب ودهان وچهره وگلوی ریش تراشان ودرستیکه این انجمن ورقهٔ چاپ نموده وبربزرگان انکلیس ولوردهای ایشان قسمت وبخشش نموده وایشان را بمساعدت خود خوانده که رها سازند ریشهای خود را تا اینکه عموم ملت تقلید آنها وپیروی بنمایند ودر این ورقه دو صورت چاپ شده یکي تمثال مردی که ریش خود را تراشیده است ودر او جمیع زشتیها وبدیها را نمایش داده ودیگری تمثال مردی که ریش خود را رها ساخته ودر او جمیع زیبائیها وخوبیها راجلوه ونمایش داده‌اند ونیز در (مجلة المقتبس) چاپ دمسق در جلد ششم صفحه (١٤٤) اثبات نموده که تیغهای ریش تراشان ناقل امراض وباعث سرایت دردها است بچهره وصورت مردمان تندرستي که بتراشیدن ریش عادت نموده اند (قال سجعان وغیره) انهم حلقوا مرة لحی جمیع مستخدمي السكك الحديدية في ايام الشتاء فحصل لأكثرهم وجع ونخر في الأضراس والأسنان وورم في الغدد اللعابية

(ترجمه) سجهان واطبای دیکر مثل (دکتور جرج) کفته اند که درزمانی تراشیدند ریشها را کارکنان راه آهن در موسم زمستان بس بیشتر از اینها مبتلا بدرد دندان وآماس واورام سختی شدند در غده‌های که سرچشمه های لعاب کاو ودهان است (سجهان) کفته که اهل این مملکت همیشه مبتلای بمرض زکام بودند بعداً یکی از اطبای حاذق امر کرد مردم را که ریش نکذارند وآنها هم عملی نمودند بکلی زکام از مابین مردم بر طرف شد از این کونه اقوال اطباء زیاد است واحتیاج نداریم بزاید آن بعد از اینکه اخبارزیادی از أئمه هدی علیهم السلام برحرمة ریش تراشی وارد شده

(استدلال بر حرمة ریش تراشی)

(از قرآن کریم)

(۱) ازجمله استدلالات بایه کریمه (واتبع ملة ابراهیم حنیفا) است در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نور الله مضجعه از حضرت صادق ع روایت میکنند که فرمود نازل کرد خداوند تبارك وتعالی برحضرت ابراهیم حنیفیه را « الطهاره » که عبارت باشد از پاکیزکی که ان ده چیز میباشد بنج چیز ان راجع بسر است و بنج چیز راجع ببدن آن چیزها ئیکه راجع بسر است

(اول) کرفتن شارب «سبیل» (دوم) کذاشتن ریش (سوم) تراشیدن موی سر (چهارم) مسواك کردن « بنجم » خلال نمودن

واما آن بنج چیزی که راجع ببدن است

« اول » تراشیدن مواز بدن « دوم » ختنه کردن « سوم » ناخن کرفتن « جهارم » غسل جنابة « بنجم » طهاره بآب واین ده چیز حنیفیه بحضرت ابراهیم است که آورد برای امت خود و نسخ

نشده و نسخ نخواهد شد تا روز قیامت مجلسی علیه الرحمه درجلد(۱۶) بحار از طرق عامه مثل همین نقل میکند وجه استدلال بآیه شریفه این است که این ده چیز نسخ نشده و پیغمبر اسلام مأمور بوده است بمتابعت این ده چیز ودعوت کردن امت را بر آن و از جمله این ده چیز گرفتن شارب است که مستحب است وگذاشتن ریش که ممنوع است از تراشیدن آن اگر کسی بگوید سیاق روایت این است که دلالت بر حرمة نمیکند بجهت اینکه روایت مشتمل است بر بعضی از امور مستحبه دیگر جواب میدهیم

« اولا » باینکه روایت مشتمل است بر غسل جنابه که از واجبات است « وثانیا » ظهور امر (اتبع) در وجوب است مادامیکه ترخیصی از طرف خود شارع وارد نشده باشد و تفکیک قائل شدن بین فقرات روایتی که مشتمل است هم بر امور مستحبه و واجبه در کلمات اهل ادب عزیز الوجود نیست

(۲) دوم استدلال بایه کریمه { وان یدعون الا شیطانا مریدا . لعنه الله وقال لأتخذن من عبادك نصيبا مفروضا ولأضلنهم ولأمنينهم ولآمرنهم فليبتكن آذان الأنعام ولآمرنهم فليغيرن خلق الله }

« ترجمه » یعنی نمیخوانند مگر شیطان سرکش را گفت شیطان فرا گیرم از بندگان تو بهرهٔ که مقرر شده و هرآینه گمراه کنم ایشانرا و به آرزو اندازم ایشانرا و میفرمایم ایشانرا پس ببرند ایشان گوشهای چهار پایان و فرمایم ایشان را پس تغییر میدهند خلق خدا را وجه استدلال باین آیه بعد از تسلیم دو مقدمه است

اولا ــ اینکه ریش تراشیدن از جمله تغییر دادن در خلق الله بوده باشد ثانیا ــ اینکه تغییر در هر خلق الله حرام بوده باشد مگر موارد یکه

دلیل بر جواز بوده باشد مثل ختنه کردن وناخن گرفتن که یقیناً اینها ارتغییر درخلق الله است ولکن خود شارع تجویز کرده بلکه لازم الاجراء است پس درنتیجه این صغری و کبری آیه (ولیغیرن الله) شامل این فعل شنیع میشود وثابت میشود حرمتش بجهت اینکه ترخیص ازطرف شارع نشده بلکه دراخبار زیادي نهي ازاین عمل شده وعلاوه براین تغییر خلق را که قسمي ازآن تراشیدن ریش است شیطان لعنة الله علیه امر میکنند برای اضلال کردن خلق وشیطان هیچوقت آدم را بر عمل مباح امر نمیکند همیشه بریك عملي امرمیکند که باعث غضب الهي شود

« اخبار وارده »

(در حرمة ریش تراشي)

« ١ » ازجمله خبري است که روایت شده درقرب الاسناد که تألیف شیخ القمیین است ومجلسي علیه الرحمه ازتهذیب که یکي از کتب اربعه وتألیف شیخ طوسي است نقل میکند

عن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسین بن علي بن ابیطالب عن اخیه موسی * ع * قال سألته عن اخذ الشارب اسنه هو قال نعم وسألته عن الرجل له ان یأخذ من لحیته قال امامن عارضیه فلابأس واما من مقدمه فلا

« ترجمه » اما علي بن جعفر راوي روایت جلالت وعظمت قدرش بحدي است که محتاج به بیان نیست وقبر شریفش معروف است در خارج « شهر قم » ولکن مجلسي ثاني اعتراض کرده برپدرش که قبر ایشان بودنش درخارج قم صحت ندارد بجهت اینکه روی قبر نوشته شده فلان بن فلان ابن علي بن جعفر بعد تمام آن اسما پاك شده فقط

علي بن جعفر باقي مانده واشتباه شده غرض مراد مجلسي این است
که این قبري که معروف بعلي بن جعفر است یکي ازاولادهاي ایشان
است فرمود علي بن جعفر سؤال کردم ازبرادرم موسى بن جعفراز
گرفتن شارب آیا مستحب است فرمود بلي وسؤال کردم از مردی
جایز است ازبراي اوزدن وگرفتن ریشش راورمود اما ازدوعارض
« دوگونه » عیبي ندارد ولکن ازمقدم عارض « صورت »
عیب دارد

« ۲ » ازجمله اخبار خبری است که روایت شده در کتابجعفریات
تألیف ابي الحسن اسماعیل بن موسى بن جعفر * ع * قال محمد بن محمد
ابن اشعث الکوفي عن ابي الحسن موسى بن اسماعیل بن موسى بن
جعفر بن محمد عن جده علي بن الحسین عن ابیه عن علي بن ابیطالب
* ع * قال قال رسول الله * ص * حلق اللحیة من المثلة ومن مثل
فعلیه لعنة الله

« ترجمه » فرمود رسول خدا * ص * تراشیدن ریش ازقبیل
مثله است وهر کس مثله کند لعنت خدا براو است یعني کما اینکه
مثله کردن که قطع اعضاء مخصوص است درشرع مقدس یکي از
محرمات است وموجب لعن الهي میشود وصدور لعن از پرودکار
باعث بغض وعقاب است همچنین تراشیدن ریش هم ازقبیل قطع اعضاء
است موجب غضب الهي ومورد عقاب است

« ۳ » ازجمله اخبار خبري است که درمجلد * ۱۶ * بحار مجلسي
علیه الرحمه ازکتاب کافي نقل میکنند عن علي بن احمد الدقاق عن
الکلیني عن علي بن محمد عن محمد بن اسماعیل بن موسى عن احمد بن
القاسم العجلي عن احمد بن یحیي المعروف یرد عن محمد بن حذامي عن

عبد الله بن ايوب عن عبد الله بن هشام عن عبدالكريم بن عمر الجعفي عن حبابة الوالبيه قالت رأيت امير المؤمنين * ع * في شرطة الخميس ومعه دره وله سبابتان يضرب بها بياعى الجري والمارماهي والزمير والطافي ويقول لهم يابياعي مسوخ بني اسرائيل وجند بني مروان فقام اليه فرات بن احنف فقال له ياامير المؤمنين وماجند بني مروان فقال اقوام حلقوا اللحي وفتلوا الشوارب فمسخوا الخ

ـ ترجمه ـ حضرت امير المؤمنين * ع * با تازيانه دو سره خود فروشندكان ماهيان حرام كوشت را ميزده ميفرمود اي فروشندكان مسوخ بني اسرائيل واشكر بنی مروان فرات بن احنف عرض كرد يا امير المؤمنين لشكر بني مروان كيانند فرمود اقوامي بودند كه ريشهايشان را ميتراشيدند وسبيلهايشانرا مي تابيدند وخداوند آنها را مسخ كرد اين روايت صريح در حرمت است بجهت اينكه مسخ شدن بشكل ماهيان حرام كوشت ازمعظم ترين عذابها است ومسخ شدن كه ازمعظم عذابهاي الهي است نميشود مكر ازبراي يك عملي كه خيلي مهم وازكناهان كبيره باشد

« سيره قطعيه »

(در قبح ريش تراشي)

اكر بانظر دقيق نكاپو نمائي درتواريخ مي يابي كه اززمان حضرت آدم تازمان خاتم واين زمان درجميع اعصار وادوار تمام انبياء ورسل واوصياء واولياء صالحين حتي بعضي ازسلاطين حفظ اين معنى را نموده وشنيده نشده كه اين عمل شنيع ازاحدي ازاين اشخاص سر بزند واكر بانظر دقيق تر نكاوش نمائي مي بيني كه رؤساي مذاهب ومراجع اسلام ازعامه وخاصه بلكه قسيسين ورهبانيين وعلماي يهود

وغير علماء يهود ازملل واديان خارجه اين عمل شنيع را مرتكب نمي شدند بجهت اينكه آن اشخاصي كه قائل بمذهب اسلامند البته جون بايد بقوانين مذهبي خود عمل نمايند اين عمل شنيع را ترك كرده واما آن اشخاصيكه بدين هم قائل نيستند على كل حال جون اين عمل داراي مضراتى است كه شخص عاقل مرتكب جيزي كه مضراز براي نفس است نمي شود ولذا فعلا در ممالك خارجه پرفسورها واطباي حاذق آن كونه قوانيني كه در اسلام ضرر دنيوي دارد مرتكب نمي شوند

نقل اجماع علماء شيعه

« درحرمة ريش تراشي »

اشخاصي كه ازعلماي شيعه نقل اجماع برحرمة ريش تراشي كردند مير داماد قدس الله سره در رساله شارع النجاتش فرموده تراشيدن ريش حرام است

باجماع مسلمين وبهاء الملة والدين شيخ بهائى دركتاب اعتقاداتش فرموده تراشيدن ريش مثل بقيه كناهان كبيره است ازقبيل قمار، سحر، رشوه وفرموده است احدى ازعلماء خدشه دراين مسئله نكرده است وبساباشد كه ازضروريات ومسلمات نزد همه است

نقل اجماع

« علماي مذاهب اربعه درحرمة ريش تراشي »

دركتاب (الابداع في مضار الابتداع)ص٤٠٧ تأليف شيخ علي محفوظ كه از علماي طراز اول جامع ازهر مصر ميباشد نقل اجماع

كرده ازمذاهب اربعه برحرمة ريش تراشي وماعين كلمات صاحب كتاب را نقل ميكنيم قال(وقد اتفقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحيه وحرمة حلقها والأخذ القريب منه

«الأول» مذهب الحنفيهقال في الدرالمختار ويحرم على الرجل قطع لحيته وصرح فيالنهاية بوجوب قطع مازادعلى القبضة (بالضم) واماالاخذ منها وهي دون ذلك كما يفعله بعض المغاربه ومخنثة الرجال فلم يبحه احدواخذكلها فعل يهودالهندومجوس الأعاجم اه(فتح)وقوله ماوراء ذلك يجب قطعه هكذا عن رسول الله * ص* انه كان يأخذمن اللحية من طولها وعرضها كما رواه الامام الترمذي في جامعه ومثل ذلك في اكثر كتب الحنفية

«الثاني» مذهب السادة المالكيه حرمة حلق اللحية وكذاقصها اذا كان يحصل به مثله واما اذا طالت قليلا وكان القص لا يحصل به مثله فهو خلاف الاولى اومكروه كما يؤخذ من شرح الرسالة لأبيالحسن وحاشيته للعلامة العدوي رحمهم الله

«الثالث» مذهب السادة الشافعية قال في شرح العباب (فائدة)قال الشيخان يكره حلق اللحية واعترضه ابن الرفعه بان الشافعي رضيالله عنه نص في الام على التحريم وقال الاذرعي الصواب تحريم حلقها جملة لغير علة بها اه ومثله في حاشية ابن قاسم العبادى على الكتاب المذكور

«الرابع» مذهب السادة الحنابلة نص في تحريم حلق اللحية فمنهم من صرح بان المعتمد حرمة حلقها ومنهم من صرح بالحرمة ولم يحك خلافا كصاحب الانصاف كما يعلم ذلك بالوقوف على شرح المنتهى وشرح منظومة الأداب وغيرهاوممانقدم تعلم ان حرمة حلق اللحيةهي دين

الله وشرعه الذي لم يشرع لخالقه سواه وان العمل على غير ذلك سفه وضلالة اوفسق وجهالة اوغفلة عن هدى سيدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم

ـ ترجمه ـ شيخ علي محفوظ مدرس قسم تخصص جامع ازهر مصر در كتاب ـ الابداع في مضار الابتداع ـ كه اين كتاب تمام بدعتهائي كه در دين كذاشته شده نقل ميكنـد حقير نسخه اورا در نجف فقط بكنفر داشت چنـد ساعتي كرفتم واستفاده نمودم خلاصه ميكويد بتحقيق كه اتفاق واجماع كردند مذاهب اربعه بر وجوب كذاشتن ريش وحرمة تراشيدن ريش و كرفتن از ريش بحـديكه نزديك بتراشيدن بوده باشد

(اول) ازمذاهب اربعه مذهب حنفيه است كه از ابو حنيفه نقل فتوي بر حرمت كرده اند ودر «در المختار» كفته حرام است برمرد كندن واز بين بردن ريش را وتصريح كرده است در ـ نهايه ـ واجب است زدن زياده از يك قبضه واما كرفتن از ريش و كم كردن از يك قبضه كما اينكه اين فعل اشخاصيست كه درمغرب زمين ساكنـنـد وفعل مخنثين است احـدي مباح نكرده و كرفتن همهٔ ريش را كما اينكه يهوديهاي هند ومجسوسهاي عجم ميكننند الخ

در كتاب ـ فتح ـ كفتـه است بيشتر از يك قبضه راواجب است قطعش همينطور بيغمبر * ص * ميكرفت از ريش خود از طولش وعرضش همچنين روايت كرده امام ترمـذي در كتـاب جامع خود ومثل همين در بيشتر از كتب حنفيه است

«دوم» مذهب مالك است كه حرام است تراشيدن ريش وهمچنين زدنيكه صدق تراشيدن بكند. واما اكـر كمي دراز بشود وزدنش صدق تراشيدن نكند بس خلاف اولى يامكروه بجـا آورده همچنين

است درشرح رساله ابي الحسن وحاشيه او بر علامه عدوي

« سوم » مذهب شافعي گفته است درشرح عباب (فائده) شيخان گفتند تراشيدن ريش مكروه است واعتراض كرده ابن رفعه بر شيخان باينكه شافعي تصريح كرده در كتاب ـ الام ـ برتحريم واذرعي گفته صواب حرام بودن تراشيدن ريش است همه اش را بدون علة الخ ومثل همين گفته درحاشيه‌قاسم عبادي دركتاب‌مذكور

« جهارم » مذهب حنبلي‌ها تصريح كرده اند بحرام بودن‌تراشيدن ريش بعضي از حنبليها تصريح كرده اند بدرستيكه اعتماد كرده‌شده بحرام بودن تراشيدن ريش وبعضي تصريح كرده اند بحرام بودن تراشيدن ريش‌وخلافي هم‌نندده مثل صاحب كتاب ـ الانصاف ـ مثل اينكه دانسه ميشود اين مطلب درشرح ـ المنتهي ـ وشرح ـ منظومة الأداب وغير اينها وازاين اقواليكه ذكر شد دانسته ميشود حرام بودن تراشيدن ريش وحرمت تراشيدن ريش ازدين خداوندوشريعة او است كه ازبراي خلق خود تشريع نفرمود مكر اورا وعمل كردن بغير اين ـ يعني تراشيدن‌ريش ـ ديوانكي وكمراهي است‌يافسق‌ونادانى است وياغفلت ازشريعت وراه آقاي ما‌محمد * ص * است

تاثيرات ازاخبار

(بر حرمة ريش تراشي)

ـ ۱ ـ ازجمله اخباريست وارد شده ازطرق عامه وخاصه برنهي از تشبه بكفار‌واعداء دين‌روايت كرده شيخ صدوق‌عليه‌الرحمه‌دركتاب (من‌لايحضره‌الفقيه) كه يكي از كتب اربعه است‌ومحل مراجعه اماميه بآن كتاب است « عن اسماعيل‌بن مسلم عن مولاناالصادق * ع * قال

اوحى الله الى نبي من انبيائه قل المؤمنين لاتلبسوا ملابس اعدائى ولا تطعموا مطاعم اعدائى ولا تسلكوا مسالك اعدائي ولا تأكلوا مآكل اعدائى فانكم اعدائى كما هم اعدائي

ـ ترجمه ـ حضرت صادق * ع * فرمود وحي نمود خداوند بيكي ازانبيائش كه بمؤمنين بكو لباسهاى دشمنان مرا نبوشيد وغــذاهاى دشمنهاي مرا نخوريد وطريقــه وراه دشمنان مرا مكيريد والا دشمن من هستيد كما اينكه آنها دشمن منند بس شباهت ومشاكلت با آنهــا حرام است ازجمله طريقــه آنها ريش تراشيدن است كه حرام است وهرموحدى ومؤمني اين خطاب شامل اوميشود وبر عهده اواست كه درمواردیكه تشخيص ميدهد كه ازآداب آنها است اجتناب كند

ـ ۲ ـ دومين خبري كه مؤيد ازبراي حرمة ريش تراشي است خبرى است كه روايت شده دركتــاب ـ معانى الأخبار ـ كه شيخ صدوق نقل كرده باسناده « عن علي بن غراب عن مولانا الصادق * ع * عن ابيه عن جده قال رسول الله * ص * حفوا الشوارب واعفوا اللحى ولا تشبهوا بالمجوس »

ـ ترجمة ـ فرمود رسول خدا * ص * بزنيد سبيلها را ورها كنيد ريش را اين روايت صريح است درنهي ازتشبه بمجوس بدليل اينكه درخبر ديكر دارد « ان المجوس جزوا لحاهم ووفروا شواربهم واما نحن فنجز الشوارب ونعفى اللحى وهي الفطرة »

ـ ترجمه ـ فرمود امام بدرستيكه مجوس ميتراشيدند ريشهايشان را وميكذاشتند سبيلها را واماما اهــل بيت عصمت ميزنيم سبيلها را وميكــذاريم ريشهارا وجايز نيست از براي مرد مؤمن ومسلم اينكه خودش را شبيه بمجوس نمايد وممكن است از لاتشبهوا باليهود كه

دربعضي ازروايات ديكر داردا ستفاده شود براينكه اصلاهيچ ازريش زده نشود ودراز شود كما اينكه بعضي ازعلماى يهود اصلامقراض هم نميكنند واين موجب آتش است دربعضي از روايات وارده وما خواهيم بيان كرد بزودى كه ازيك قبضه زيادتر هم خالي از اشكال نيست

ـ ۳ ـ سومين مؤيدات ما بر حرمة ريش تراشي خبرى است كه مجلسي عليه الرحمه درجلد ـ۶ـ بحار درباب مراسلات نبي بسوي ملك روم وفارس نقل كرده(انه كتب كسرى الى ـ باذان ـ قهرمانه وهو ـ بانويه ـ وكان كاتبا حاسبا وبعث معه رجلا من الفرس يقال له ـ خرخسك ـ فكتب معها الى رسول الله * ص * يأمره ان ينصرف معهما الى كسرى وقال لبانويه ويلك انظر الى الرجل وكلمه واتني بخبره فخرجا حتى قدما المدينة على رسول الله * ص * واعلمه بانويه وقال له ان شاهنشاه ملك الملوك كسرى كتب الى الملك باذان يأمره ان يبعث اليك من يأتيه به وقد بعثني اليك لتنطلق معي فان قبلت اكتب فيك الى ملك الملوك بكتاب ينفعك ويكف عنك به وان ابيت فهو من قد علمت فهو مهلكك ومهلك قومك ومخرب بلادك وكانا قد دخلا على رسول الله * ص * وقد حلقا لحاهما واعفيا شواربهما فكره النظر اليهما وقال ويلكما من امركما بهذا قالا امرنا ربنا يعينان بذلك كسرى فقال رسول الله * ص * لكن ربي امرني باعفاء لحيتي وقص شاربي الخ

ـ ترجمه ـ خلاصه ترجمه اين است كه دونفر ريش تراش وسبيل كلفت ازجانب كسرى بواسطه باذان عامل يمن وارد مجلس حضرت رسول * ص * شدند حضرت كراهت داشت كه نكاه بصورت آنها فرمايد فرمود كي شمارا باين وضع امر كرده عرض كردند خداي

ما يعني كسرى پادشاه عجم رسول خدا * ص * فرمود پروردگار من امر فرموده مرا باينكه ريش بگذارم وقطع سبيلهارا بكنم اين روايت اصلا دليل ميشود بر حرمت ريش تراشي بجهت اينكه پيغمبر * ص * از كفار آتش پرست هم اين عمل رازشت داشت وامر الهي رابيان فرمود ويقيناً اين اشخاصي كه مدعي ديانت هستند وبزيارت امير المؤمنين ميآيند وباصورت تراشيده داخل حرم ميشوند حضرت علي ابن ابيطالب * ع * ازآنها روبر ميگرداند

« فتاواي علماء ومجتهدين »
(برحرمة ريش تراشي)

پرواضح است كه مسئله حرمة تراشيدن ريش ازجمله مسائل مسلمه بين فقهاء است بعدازاجماع برحرمه ازفريقين ـ عامه وخاصةـ وماجمله ازاقوال علماء واساطين سابق ولاحق رانقل ميكنيم

« ۱ » محدث بحراني صاحب حدائق درآخرطهارتش بعد ازاينكه اخبار وارده ازائمه عليهم السلام رابر حرمة ريش تراشي نقل كرده فرموده (الثانية الظاهر كما استظهره جملة من الأصحاب كما عرفت تحريم حلق اللحية لخبر المسخ المروي عن امير المؤمنين * ع * فانه لا يقع المسخ الا على ارتكاب امر محرم بالغ في التحريم)

حاصل كلماتش اين است كه ريش تراشيدن حرام است كما اينكه بزرگان از اصحاب برآنند ازبراى اينكه خبرى كه روايت شده وقبلا مادر اخبار باب نقل كرديم خبر حضرت امير المؤمنين * ع * بود وقضية مسخ شدن آن اشخاصي كه ريش تراشيده بودند ومسخ در شريعت واقع نميشود مگر ازبراى فعل محرمي كه بالاتر از اوحرامي نباشد « ۲ » علامة المحدثين شيخ حرعاملي علاوه برعقد باب مستقلي

دروسائل برحرمة در کتاب ـ بداية الهداية ـ که خلاصه در آنجا تراشیدن ریش رادر عداد محرمات مسلمه شمرده

« ٣ » ازجمله شیخ کبیر شیخ جعفر کاشف الغطاء درباب آداب حمام فرموده حرام است تراشیدن ریش وفرموده احدی مخالفت دراین مسئله نکرده

« ٤ » ازجمله ملامحسن فیض در کتاب وافي بعداز اینکه اخبارباب رانقل کرده فرموده جماعتي ازفقهای مافتوای دادند بحرمة ریش تراشیدن واستشهاد کرده اند بآیه (فليغيرن) همچنانکه مااستدلال کردیم

« ٥ » ازجمله محدث نوري عليه الرحمه درمستدرك الوسائل بابي منعقد کرده برحرمة تراشیدن ریش

« ٦ » ازجمله شیخ احمد احسائی دررساله حیدریه گفته است تراشیدن ریش حرام وآداب مجوسي‌ها است

« ٧ » فاضل کاباسي فرموده حرام‌است تراشیدن ریش وکراهت دارد دراز کردن ریش

« ٨ » علامه مجلسی‌در کتاب حلية المتقين فرموده بدانکه سنت‌است ریش را میانه بلند گذاشتن نه بسیار بلند ونه بسیار کوتاه‌وزیاده‌از یك قبضه مکروه است واحتمال‌حرمة نیزدارد ومشهور میان علماء آنست که تراشیدن ریش حرامست واحوط آنست که اصلاح بسیارشدید که شبیه تراشیدن باشد نکنند

« ٩ » از جمله علامه بحر العلوم

« ١٠ » وصاحب البدايع « ١١ » وصاحب الجواهر

« ١٢ » وعلامه انصاری درآخر مجمع المسائل فرموده تراشیدن ریش حرام است ومقراض کردن بطریق اصلاح چون خود شارع

تجويز كرده جايزاست والاا كر ترخيصي ازطرف شارع نبودملحق بود بتراشيدن

« ۱۳ » از جمله فقيه جليل سيد عبـد الله شبر كاظمي در كتاب احسن التقويم

« ۱٤ » شمس الفقهاء شهيد اول درقواعـد مسئله‌را مسلم دانسته

« ۱٥ » شيخ علي بن محمد بن الحسن بن زين الدين سبط شهيد ثانى در ــ در المنثور ــ مبحث مستقلي برحرمة ريش تراشي عقد كرد واثبات آنرا ازاخبار كرده

« ۱٦ ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ » آية الله ميرزا شيرازي وفاضل ايروانى وآية الله كوه كمري وآيةالله ميرزا محمد تقي شيرازي وآقاشيخ زين العابدين حائري

تمام اين اعلام دررسائل خودشان حكم بحرمة ريش تراشي كرده‌اند ودرسؤالاتى كه ازهندوستان براي مرحوم حجة الاسلام اقاسيد محمد كاظم يزدى ومرحوم حجة الاسلام صدر اصفهاني ومرحوم حائري مازندرانى استفداء شده درريش تراشي تمام اين حجج حكم بحرمـة ريش تراشي كرده اند ومرحوم صدر اصفهـانى مرقوم فرمودند حقير خودم ديدم دريكي از اوراق جاب شده ــ هر كه بفرمايد حاق لحيه ــ (تراشيدن ريش) حرام نيست باسواد علمي ندارد يا اظهـار فضيلت ميخواهد بنمايد وازعلماي عامه ابوالقاسم حسين بن محمدبن المفضل راغب اصفهانى دركتاب محاضراتش حـكم بحرمـة تراشيدن ريش كرده آيةالله شيخ الشريعه اصفهانى دررساله خود بس ازفتوى بحرمت فرموده مسئله متسالم عليها بين فقهـا است ومرحوم آية الله شيخ المجتهدين ميرزا محمد حسين نائيني فرمودند علاوه برحرمت كمتر

ازيك قبضه هم بی اشکال نیست وفعلا هم جمیع علماء ومجتهدین نجف اشرف و کربلا تراشیدن ریش‌را حرام میدانند واحتیاج باینکه اسماء شریف آنها راذکر کنیم نیست وهمچنین جمیع علماي قم ومشهد تراشیدن ریش راحرام میدانند

بعد ازاین همه اقوال علماء وبزرکان دین اکر کسي مخالفت کند از دو حال خارج نیست یا اینکه میخواهد عناد وعصبیت بخرج دهد یا اصلا دین ندارد بجهت اینکه فرمایشات علماء وحامیان دین واجب الاطاعه است مثل این است که پیغمبر * ص * بیان نموده وشماها ازخود اوشنیده اید این فقهای اسلام از پیش خود چیزی نمیکویند تمام رابا مراجعه بکتب اخبار میفرمایند مثل کتاب کافي که تألیف ثقة الاسلام مرحوم کلیني است که درزمان غیبت صغری این کتاب را تألیف کرده وبانواب خاص امام زمان که خدمت امام میرسیدند مخالطت وآمیزش داشته وتمام این احکام را ازخانواده عصمت اخذ کرده

« مقدار کذاشتن ریش »

(در شریعت)

اما ظاهر اخبار وکلمات علماء درمکروه بودن زیاده ازقبضه است (روی ثقة الاسلام في الوافي عن معلی بن خنیس عن ابی عبدالله *ع* قال مازاد من اللحیة من القبضة فهو فی النار ، وروی في الوافي عن محمد ابن ابي حمزة عمن اخبره عن ابی عبد الله * ع * قال مازاد علی القبضة ففي النار یعني من اللحیة ، وعن یونس عن بعض اصحابه عن ابي عبد الله * ع * ورواه في الفقیه مرسلا عن ابي عبدالله * ع * في قدر اللحیة قال تقبض بیدك علی اللحیة وتجزما فضل قال في الوافي المراد بالقبض علی اللحیة ان یضع یده علی ذقنه فیأخذ بطرفیه فیجزما فضل من مسترسل

اللحية طولا لاالقبض مماتحت الذقن وروي في الوافي وفي الفقيه عن محمد بن مسلم قال رأيت اباجعفر * ع * والحجام يأخذ من لحيته فقال دورها) ازجميع اين اخبار استفاده كراهت ميشود بجهت اينكه امام معنى فرمودند دريكي ازروايات اكر كسي زياده ازقبضه ريش بكذارد آن زياده درآتش است ملازمه ندارد كه خود آن شخص هم در آتش باشد واختلاف درمعنى قبضه هم شده است مرحوم فيض عليه الرحمه دروافي معنى كرده قبضه را باينكه دستش رابكذارد بردقنش (چنه) ودوطرف ريش رابكيرد بس زيادي‌ها رابزند ومعروف است شخصي شب نشسته كتاب ميخواند ديد نوشته است كه دوچيز علامت حماقت است اول سر كوجك مدور دوم ريش دراز وبهن آنشخص قدري تأمل كرده ودستي بسر ريش خود كشيده ديد هردو علامت دراو موجود است آهي كشيد فكري كرد باخود كفت سر من علاج ندارد كه بزرك شود ولي علاج ريش راتوان نمود بدون اينكه تأمل كند جراغ رابيش كشيده يك قبضه از ريش دردست كرفته باقي را بشعله جراغ نزديك ساخت شعله بريشش كرفت دستش بسوخت دست رها كرده تمام ريشش بسوخت وصورتش برشته شد وآه وناله‌اش بلند شد قلم برداشته بحاشيه كتاب نوشت كه تجربه شد كه ريش دراز وسر كوجك علامت حماقت است ودراين عالم سر كلام حضرت صادق * ع * ظاهر شد كه اكر زيادي ريش درآتش جهنم باشد بايد خودش هم بسوزد نه اينكه آن احمق را دربهشت ببرند ودرازي ريش اودر جهنم آويزان است ونه اينكه وقتي ميخواهد داخل بهشت شودزيادي ريش راجيده درجهنم ريزند زيرا كه اهل بهشت جوان وامرد درنهايت حسن وجمال وارد بهشت ميشوند ظاهر اين

است که خود ریش دراز را بجهنم اندازند که مخالفت فطرت اسلام نموده وخود را شبیه بیهود ساخته

روایات وارده

«در استحباب زدن سبیل»

درباب حرمة ریش تراشي بعضي ازروایات که نقل شد مشتمل بر گرفتن سبیل هم بود وروایات بالخصوص هم در کتب مختلفه وارد شده درجلد — ۱۶ — بحار علامه مجلسي نقل میکنـــد قال الصادق * ع * اخذ الشارب من الجمعة الی الجمعة امان من الجذام وقال النبي * ص * لا یطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذه مخبئا یستتره وقال النبي * ص * من لم یأخذ شاربه فلیس منا من کتاب المحاسن عن الصادق * ع * حلق الشارب من السنه

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * گرفتن سبیل از جمعه تا جمعه دیگر امان است ازمرض جذام فرمود پیغمبر * ص * احدي ازشما مردم البته باید دراز نکند سبیلهایش را بدرستیکه شیطان درزیر سبیلها مسکن میکند وخود را پنهان میکند فرمود پیغمبر * ص * هر کس نگیرد سبیلهایش را ازما اهل بیت نیست در کتاب محاسن ازحضرت صادق * ع * روایت شده تراشیدن سبیل مستحب است بعداز این همـــه بیانات در ربار از پیغمبر * ص * وائمـــه معصومین خیلي بی انصافي است که شخص عاقل ومتدین بدین اسلام دربیراموز یکعده مزخرفات وخرافات حضرات صوفیه گردش کنـــد وخود را مبتلا واسیر یك شخص بی سواد وبي لیـــاقت باسم مرشد که واقعاً مضل است نماید اي برادران دیني تاکي تاچند بقوانین اسلام پشت پاخواهید زدجرا

این دستورات راعمل نمیکنید وداٸماً دنبال هوی وهوس میکردید

« خذوا زینتکم عند کل مسجد »

(درفضیلت شانه کردن ریش)

في تفسیر العیاشي عن ابی بصیر عن ابی عبد الله * ع * قال سألته عن قوله تعالی خذوا زینتکم عند کل مسجد قال هو المشط عند کل صلوة فریضة ونافلة

« ترجمه » ازابي بصیرروایت شده کفت سؤال کردم ازاباعبدالله * ع * از معنی آیه ـ خذوا زینتکم عند کل مسجد ـ فرمود اباعبد الله * ع * زینت کردن در هر مسجدي آن شانه کردن ریش است دروقت هرنمازی واجب باشد یامستحب

عن عمار النوفلي عن ابیه قال سمعت ابا الحسن * ع * یقول المشط یذهب بالوبا قال کان لأبی عبد الله * ع * مشط في المسجد یتمشط به اذا فرغ من صلوته

« ترجمه » عمار نوفلي ازپدرش نقل کرده کفت شنیدم: اباالحسن * ع * رامیفرمود شانه کردن مرض وبارا میبرد وفرمود از براي ابا عبدالله شانه بود درمسجد وقتي فارغ ازنماز میشدند شانه میکردند

ـ وکان رسول الله * ص * یسرح تحت لحیته اربعین مره ومن فوقها سبع مرات ویقول انه یزید في الذهن ویقطع البلغم

« ترجمه » پیغمبر * ص * شانه میکردند زیر ریش مبارکشان را چهل مرتبه وازبالای ریش مقدسشان هفت مرتبه ومیفرمودند شانه کردن ذهن را زیاد میکند وبلغم رابر طرف میکند ولذا تجربه شده که این اشخاصیکه ریش میتراشند چون موضوع نیست تاشانه بکنند ازاین فواٸد محرومند وغالب ریش تراشها بلغمي وبیمار هستندوداٸما

هم مبتلا بدندان درد میشوند

قال الصادق * ع * فی قوله * ص * خذوا زینتکم عند کل مسجد قال تمشطوا فان المشط یجلب الرزق ویحسن الشعر وینجز الحاجة ویزید فی الصلب ویقطع البلغم

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * درذیل آیه شریفه خذوا زینتکم عند کل مسجد شانه کنید بدرستیکه شانه کردن روزي را زیاد میکند وموها رانیکو میکند وحاجات بر میآورد واولاد رازیاد میکند وبلغم راقطع میکند بس شخص ریش تراش از این فوائدي که امام صادق * ع * فرموده محروم است

قال الصادق * ع * مشط الرأس یذهب بالوبا ومشط اللحیه یشد الاضراس

« ترجمه » فرمود شانه کردن سر وبارا میبرد وشانه کردن ریش دندانها را محکم میکند ولذا کویند آن طبیب یونانی کفت اکر ریش تراشي نبود دربین مردم اصلا این دندانها باین عمرها یشان کفایت میکرد وقال ابو الحسن موسی بن جعفر * ع * اذاسرحت لحیتك ورأسك فامر المشط علی صدرك فانه یذهب بالهم والوبا

« ترجمه » فرمود موسی بن جعفر * ع * دروقتي که شانه میکني ریش خودت راوسرت رابس مرور بده شانه را بر سینه ات بس بدرستیکه هم وغم ووباء رامیبرد بس اي مدعي دیانت اقلا این کلمات درربار اهل عصمت راکه ازطرف خدا میکویند وازخودشان اصلا سخني نمیکویند تماش ازجانب حکیم مطلق جل شأنه میباشد دربوته عمل بکذارید وهیچ مصرف هم ندارد جز رها کردن هوی وهوس

« فضائل وفوائد مسواك كردن »

في كتاب امالي الصدوق عن المفضل عن الصادق * ع * قال عليكم بالسواك مطهرة وسنة حسنة الخ في مناهي النبي * ص * انه قال مازال جبرئيل يوصيني بالسواك حتى ظننت انه سيجعله فريضة

ـ ترجمه ـ در كتاب امالى شيخ صدوق عليه الرحمه ازمفضل از حضرت صادق *ع* مروي است فرمود امام صادق برشماباد بمسواك كردن بجهت اينكه پاك كننده است وسنت نيكوئيست فرمود بيغمبر * ص * هميشه اوقات جبرئيل * ع * وصيت ميكنند مرا بمسواك كردن بجوريكه گمان كردم خدا واجب كرده مسواك را

في علل الشرايع عن ابى جعفر * ع * قال قال رسول الله * ص * لو لا ان شق على امتي لامرتهم بالسواك مع كل صلوة

« ترجمه » ازحضرت اباجعفر *ع* مروي است كه فرمود حضرت رسول * ص * اكر دشواد نبود برامت من هرآينه امر ميكردم اينهارا برمسواك كردن باهر نمازي كه ميخوانند

قال ابوجعفر « ع » لكل شيء طهور وطهورالفم السواك

ـ ترجمه ـ فرمود اباجعفر « ع » ازبراي هرجيزي پاك كننده ايست وپاك كننده دهان مسواك كردن است

عن النبي « ص » قال اربع من السنن المرسلين العطر والنساء والسواك والحنا

« ترجمه » فرمود بيغمبر « ص » جهار جيز ازسنن ومستحبات بيغمبران وفرستاده شدگان ازجانب خدا است عطرزدن وزن گرفتن ومسواك كردن وحنا ماليدن

وقال النبي « ص » السواك فيه عشر خصال مطهرة للفم مرضات

للرب يضاعف الحسنات سبعين ضعفا وهو من السنة و يذهب بالحفر و يبيض الاسنان و يشد اللثة و يقطع البلغم و يذهب بغشاوة البصر و يشهي الطعام

ــ ترجمه ــ فرمود بيغمبر « ص » مسواك كردن دراوده خصلت و فائده است (اول) باك كننده دهن است (دوم) خشنودي خـدا دراو است (سوم) كارهاي خوب و نيكوي مسواك كننده ثوابش هفتاد برابر ميشود (جهارم) اينكه ازمستحبات است (بنجم) زردي‌هاى روي دندان راميبرد (ششم) دندانهارا سفيد ميكند (هفتم) لثه ها رامحكم ميكند (هشتم) بلغم‌رارفع ميكند (نهم) برده ازجلوي جشم برداشته ميشود (دهم) اشتها بطعام بيدا ميكند

ازاين قبيل روايات درفضيلت وخاصيت مسواك كردن بقدري زياد است كه قلم ياراي نوشتن نيست وشارع مقدس اسلام تمام احكام راحتي احكام بيت الخلا رفتن رابراى من وشما فرموده ولكن ماملت هوى خواه غافليم ازخواص آئين اسلام فعلا خارجيها استفاده بيشتر ميكنند ازفرمايشات بيغمبر مايعني ازاين اموريكه فوائد دنيوى دارد مثل مسواك كردن وعطر زدن

« فضيلت وفوائد عطر زدن »

دركتاب طب الأئمه روايت شده « لماعرج بالنبي فتقطر عرقه الى الأرض فانبت من العرق الورد الأحمر فقال رسول الله « ص » من اراد ان يشم رائحتي فليشم الورد الأحمر

ــ ترجمه ــ موقعي كه بيغمبر « ص » بمعراج ميرفتند عرق كردند بس قطره هاى عرق مبـاركشان بزمين ريخت بس از آن عرق كل قرمز (كل محمدى) روئيد بس فرمودند كه هر كس كه ميخواهد

بوی مرا استشمام کنند گل قرمز را ببوید

قال رسول الله « ص » الريح الطيبة تشد القلب وتزيد في الجماع

ـ ترجمه ـ فرمود پیغمبر « ص » بوهـای پاکیزه ازقبیل عطریات قلب رامحکم میکند وجماع رازیاد میکند

في الخصال عن ابي عبد الله « ع » قال ثلاث يسمن وثلاث يهزلن فاما التي يسمن فادمان الحمام وشم الرائحة الطيبة ولبس الثياب اللينـة فاما التي يهزلن فادمان اكل البيض والسمك والطلع

ـ ترجمه ـ اباعبد الله « ع » فرمود سه‌چیز انسان راچاق وفربه میکنـد (اول) زیاد حمام رفتن (دوم) بوئیـدن عطریات (سوم) لباسهای نرم پوشیدن وسه چیز انسان رالاغر میکنـد (اول) زیاد تخم مرغ خوردن (دوم) ماهي خوردن (سوم) طلع درخت خرما خوردن که قبل از رسیدن باشد در حالت بسربودن ومخفي نماناد که شارع مقدس‌زنان را منع ازاستعمال‌عطریات کرده در موقع بیرون رفتن ازمنزل‌ولکن درمنزل ازبرای شوهرهای خودهر گونه آرایش کنند مجازند ازطرف شارع وسرش پرواضح است در کتـاب میل جنسي‌درزن ومرد « بیولوجي عشق وازدواج » ترجمه عبد الله توکل درصفحه‌ـ۷۵ـ نوشته عطر یکي ازبهترین‌داروهای آرایش وخود فروشي است بوي طبیعي بدن زن حس شهوت را تحریك میکند . بوی سنبل کوهی گربه‌ها را بسوی خود میکشاند بس بنابراین زن مسلمان نباید درموقع بیرون رفتن ازخانه عطر بزند

« فلسفه امر بمعروف ونهي ازمنکر »

ای اشخاصیکه متدین بدین اسلام هستید وشبانه روز درپنج‌وقت نماز میخوانید وسال یکمرتبه روزه میگیرید بدانید که‌امر بمعروف

ونهي ازمنكر هم يكي ازواجبات است كه برهر فرد مسلمي واجب است انجـام وظيفة كنند فقط مختص بزعماء وعلماي دين نيست بلكه برجميع مسلمين است كه اقدام كنند باين امري كه خود امام فلسفه اوربا بيان نموده (بعبـارت واضحتر كه خيال نكني اسم فلسفه از اوربا آمده) آن فوائدي كه مترتب برامر بمعروف ونهي از منكر است خود شارع بيان نموده

في التهذيب والوسائل عن ابى جعفر * ع * قال يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراؤن الى ان قال ولواضرت الصلوة بساير ما يعملون باموالهم وابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض واشرفها ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عزوجل عليهم فيعمهم بعقابه فيهلك الأبرار في دار الأشرار والصغـار في دار الكبار ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمن المـذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر الخ الحديث

ـ ترجمه ـ درتهذيب ودروسائل ازحضرت اباجعفر * ع * روايت شده فرمود درآخر الزمان كروهي ميباشند كه بيروي كرده ميشوند درايشان كروهي كه رياكننده اند تا اينكه فرمود اكر نماز ضرر بزند بكارهايشان وباموالشان وبدنهايشان هرآينه ترك ميكنند نماز رامثل اينكه ترك كردند بالاترين واجباترا وشريفترين واجباترا بدرستيكه امر بمعروف ونهي ازمنكر واجب بزركى است كه بواسطه او اقامه واجبات ميشود دراين موقع كه ترك ميكنند بسر ميرسد غضب خداوند تبـارك وتعالي بس عـذابش شامل همه ميشود بس هلاك

میشوند خوبان درخانه بدان و کوچکان « بچه‌های بی گناه » درخانه
بزرگان بدرستیکه امر بمعروف و نهي ازمنکر راه بیغمبران است
وطریقه صلحاء وخوبان است واجبي است بزرك بواسطه‌او اقامه
واجبات میشود ومأمون میشود وطرق وراه‌ها وحلال میشود
کسبها ورد کرده میشود ظلمها ومعمور میشود زمین وانصاف گرفته
میشود ازدشمنان ومستقیم میشود کارها

عن علي بن ابراهیم عن هرون بن مسلم عن مسعده بن صدقه عن
ابي عبد الله *ع* قال قال النبي *ص* کیف بکم اذا فسدت نساؤکم
وفسق شبابکم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر فقیل له ویکون
ذلك یارسول الله فقال نعم وشر من ذلك کیف بکم اذا امرتم بالمنکر
ونهیتم عن المعروف فقیل له یارسول الله ویکون ذلك قال نعم وشر
ذلك کیف بکم اذا رأیتم المعروف منکرا والمنکر معروفا

ـ ترجمه ـ علي بن ابراهیم قمي بسند خود از حضرت صادق *ع*
روایت میکنند که امام صادق فرمود بیغمبر *ص* فرمود چه میشود
شمارا درروقتیکه زنهای شما فاسد شوند وجوانهای شما فاسق وشما آنها
را امر بمعروف ونهي ازمنکر نمیکنید بس گفته شد یارسول الله
میشود اینطور شود بس فرمود بلي بدتر ازاین شمارا چه شود وقتی
که امر میکنید مردم رابکارهای بد ونهي میکنید ازکارهای خوب
بس گفته شد یارسول الله میشود اینطور شود فرمود بلي بدتر از
این شمارا چه شود دروقتیکه کارهای خوب وزیبارا بد وزشت میبینید
وکارهای زشت وبدرا خوب وزیبا روایات درباب امر بمعروف
ونهي ازمنکر زیاده ازحد است

ولکن عمل کرده نمیشود اسلام درموقعي قوت میگیرد که این

مفاسد ازمابین مردم رفع شود تا این گونه بی‌ناموسی‌ها ولا ابالی گریها
درمابین مردم رفع نشود اصلاح نخواهد شد چرا موضوع حجاب
راتعقیب نمیکنید مگرهر روز قرآن نمیخوانید چرا میخوانید صرف
خواندن که نیست نزول قرآن برای عمل کردن باحکام الهي است
همانطوریکه نماز میخوانید باید امر بمعروف ونهي ازمنکر هم بکنید
ولکن باشرائطش تمام این مفاسدي را که امروز مي بینید از این
کشف حجاب پیداشده بجهت اینکه آن زنی که خودرا آرایش میکند
ودر خیابانها گردش میرود دل هزارها جوان رامي رباید وجوانهم
درازاء آن خودرا درست کرده ریش میتراشد سرافسار « کروات»
مي اندازد باتمام بی‌شرمي وبی شرفي عشقبازی مي نماید ای متمدن بی
تمدن چراهم خواهر خود را بخیابانها واستخرها وسینماها وتآترها
میفرستی ودختر خودرا بدبیرستان که جز درس عشقبازی یاد نمي
گیرد رها میکني خودت فکر کن وجدانت قبول این معنی رامیکند .
یانه چراباید درمملکت اسلامي این مقدار مسکرات بفروش رود این
شرابهائیکه غیرازضرر دنیوی واخروی فائده دیگر ندارد وخداوند
تبارك وتعالی در کتاب مجیدش حرمت شرب آنرا بیان نموده بااینحال
اگر بمرکز ایران که طهران است روی وهمینطور بعضي ازشهرهای
دیگر مغازه‌هاي مشروب فروشي بیشتر است ازمغازه های کتاب
فروشي

ای اهل مشهد ومجاورین قبر علي بن موسی الرضا چرا باید کار
خانه مشروب سازی درآن سرزمین بوده باشد وهیچ گفته نشود چرا از
مجاورین قبرخواهرش حضرت معصومه تعلیم نگرفتید باتمام مردانگي
وفتوت دکاکین عرق فروشي رامضمحل کردند واقعاً هم نتیجه

بردند بکوشید دراظهار حقایق وهدایت کمراهان

« قولوا الحق ولو کان علی انفسکم »

(نکته قابل توجه)

یکي ازمحرماتي که درممالکت مسلمین وشیعیان امیرالمؤمنین (ع) قبحش
رطرف شده مسئله رد یو است که اصلا اهمیت باین محرم بزرك داده نمیشود
انمام بي شرمي ازتمام طبقات مرتکب این عمل شنیع هستند ومیکویند
خبارش که عیبي ندارد ولکن غافلند ازاینکه اصلا وضع رادیو از
رای غافل کردن جامعه اسلام است ازذکر خدا واحکامش وعلاوه
وش دارید جشم دارید مي شنوید که روز وشب جزساز ونوازی
که باعث فساد اخلاق زن وفرزندوغفلت آنان ازذکر خدفائده دیکر
داردو اصلا هتك بکتاب آسماني میشود ؟
بجهت اینکه جند سورهٔ ازقرآن مجیدهم اکر خوانده شود
ــدش رقص دختر مصری وویاون زدن وسار نواز است وحال
نکه اکر قبل ازآ ایات قرآني قرائت شده نهي از تمام این اعمال
نیع میکنند وخلاصه بکوشید دررفع این مفاسد تاکي عبرت نمیکیرید
ر کز مرکي ازبرای خود تصور نمي نمائید وکرنه ساعتی قرار
خواهید کرفت بدانید آنجیزهائي که وسیله ازبراي نشر اعمال
نیعه است بجامعه « ازقبیل ویاون زدن وساز ونواز وخواندن زن
مصری » حرام است باتفاق جمیع علماء وهرکس مخالفت نماید ازدوحال
خارج نیست یا اینکه مدارك احکام رانمي فهمد ویا اینکه هوی پرست
وهوی خواه است

آزادی فحشاء

در کشور ایران

چرا باید در کشور ایران که مذهب رسمی مردم تشیع و دین رسمی مردم اسلام است درهر شهری فواحش بوده باشد بطوریکه اصلا آزاد باشد ودولت هم در کارهای آنها نظارت داشته باشد ولهذا میکوشد که ازشیوع سوزاك وسفلیس جلوگیری کند اما بدبختانه این کار سودی ندارد وفواحش جوانان راروز بروز بیچاره تر میکنند دربعضي از کشورهای دنیا که بوی اسلام هم بدماغشان نخورده دولت صاف وصریح فحشاء را ممنوع داشته ولي متأسفانه کشور ایران که مرکز تشیع وعلوم آل محمد است باید درهر شهری محل مخصوص بنام « شهرنو » مهیا وآماده باشد ازبرای برباد دادن عفت ومنقطع کردن نسل عده ازجوانان

بدانید ای مدعیان دین اسلام تاروزي که « شهرنو » در کشور شماها وجود دارد « هیچ انجمن مبارزه بافسادی » نخواهد توانست کاری از بیش ببرد بدبختانه باید اعتراف کرد که ایران کنونی مرکز ثقل بیماریهای آمیزشي درخاور میانه شده است سرنوشت « اهواز » و« آبادان » ازبندر « مارسیل » « فرانسه » بدتر است وسرنوشت تهران را همه‌ما میدانیم ومؤلف کتاب « بامن بشهرنو بیائید » خوب مطالب‌را آفتابی نموده ویك‌ننك بزرکي است‌ازبرای جامعه اسلام ویقین بدانید که این کتاب بزبانهای دیکر ترجمه میشود وفضاحت‌آن عالم کیرمیشود لهذا بکوشید دررفع کردن این‌عفریتهای شهرنوی‌و میکربهای‌سوزاك وسفلیس ودولت ایران اکرعلاقه داشته

باشد که‌جو انان‌را از بدبختي نجات دهد و نگذارد که درسال‌ششصد هزار نفر برای معالجه سوزاك وسفلیس شان به بیمارستان‌نجات‌بروند باید جارهٔ بیندیشند وشهرنو را ازمیان بردادر بعقیده‌حقیر این است که باید حتي القوه این کاررا انجام داد برای خاطر بقای نسل ایرانی وباقطع نظرازجنبه دیانت آیاوجدان‌شخص‌عاقل‌راضي میشودبراینکه ناموس دیگران رادر یکشب اشخاص متعدده بااو عشق ورزند والادر کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبراسلام شده نهي ازنظر کردن بنامحرم نموده حتي پوشانیدن زن چشمش را از مردنامحرم تاچه رسد باین بي ناموسي‌ها خلاصه بکوشید درقطع کردن بنیاد این بی عفتي هائیکه باعث عذاب وعقاب اخروی است

محل مثله کردن

یا (سالون آرا یشگاه)

درسالون آرایشگاه سلمانیها ریش میتراشند ولکن پیغمبر * ص * فرموده‌مثله میکنند وهرکس مثله کند لعنت وغضب الهي براوست آن شخصي که بسالون آرایش میآید وحاضر میشود برای تراشیدن ریش خود مبتلا بعذاب اخروي وامراض دنیوی میشودولـــکن سلماني‌وآرایش دهنده علاوه‌برعذاب اخروی اجرتی راکه‌درمقابل عمل‌تراشیدن ریش غیرمیگیردحرام است‌ومالك آن‌نمیشود ولباسهائی که با آن وجـه میخرد غصبي است وتمـام اعمالش از قبیل نمـــاز وحجش باطل‌است بجهت اینکه اجرت برعمل محرم حرام است‌باجماع تمام فقهـاء مسلمین مثل اجرت گرفتن برصنایع آلات قمار وساختن مشروبات والسلام علی من اتبع الهدی

فهرست

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۰	سعادتمندی	سعادتمندی
۳	۱۲	اکثر	کثر
٦	۲	ممکنان	ممکنات
۱٦	۱۸	حقظ	حفظ
۱۹	۲۲	یشود	بشود
۲۱	٦	دشمبان	دشمنان
۲۲	۳	اپن	این
۲۳	٤	یرست	پرست
۲۳	٥	یقیباً	یقیناً
۲٤	۸	اشتشهاد	استشهاد
۲٥	۱٥	استفداء	استفتاء
۳٥	٤	وطرق	طرق
۳۷	۲	ردیو	رادیو
۳۷	۷	خد	خدا
۳۷	۱۱	آاینیات	این آیات

کتاب دیگر مؤلف که بعداً
بطبع خواهد رسید

سنن النبویه

فی الآداب والاذکار

فردی — نوعی — اجتماعی

عنوان مراسلات

نجف أشرف — مدرسه [illegible]